

ماسیمو آیتروویگنه

کتابی برای توصیف بنیادگرایی

گفت و گو با "ماسیمو آیتروویگنه"، مؤلف کتاب "بنیادگرایی: نماهای مختلف ناسازگاری های مذهبی"

ترجمه: سحر کریمی

"ماسیمو آیتروویگنه"، مؤسس و مدیر مرکز مطالعات ادیان جدید در کتاب معروف خود تحت عنوان "بنیادگرایی: نماهای مختلف ناسازگاری های مذهبی"، پدیده پیچیده بنیادگرایی را بررسی کرده است. این کتاب توسط انتشارات "بیمه" در ایتالیا چاپ و منتشر شده است. آیتروویگنه در گفت و گوی حاضر به توضیح انواع مختلف بنیادگرایی می پردازد. گفتنی است وی برای کارشناسان امنیتی آمریکا در خاورمیانه نیز، دوره‌هایی برگزار می کند.

آیا جهان متزلزل و آسیب پذیر زمانه ما می تواند در مشتعل کردن بنیادگرایی مذهبی نقشی داشته باشد؟

تمام اینها به تعریف بنیادگرایی بستگی دارد که در این خصوص اتفاق نظری وجود ندارد. من در کتاب خود نگرش های مذهبی را به پنج گروه تقسیم کرده ام: پیشرو افراطی، پیشرو، محافظه کار، بنیادگرا و بنیادگرای افراطی. معیارهایی که برای این تمایز استفاده شده است کاملاً متفاوت از هم و در برخی موارد کاملاً فنی است.

مصادیق این گروه ها و تعریف هر یک چگونه است؟

رفتاری که در قبال جنبای دین و فرهنگ با عصر روشنگری آغاز شد و به جنبای دین از سیاست انجامید، ملاک خوبی در این زمینه است. طرفداران مکتب پیشروگرایی به اجتناب ناپذیر بودن این جنبای اذعان دارند و پیروان مکتب دوم یعنی پیشروگرایی افراطی آن را با اشتیاق بیشتری می پذیرند.

بنیادگرایی این جنبای را می پذیرد، اما این پذیرش همراه با نوعی مصالحه است. از طرف دیگر بنیادگرایان افراطی این جنبای را تحت هیچ شرایطی نپذیرفته، خود را اساساً از جامعه جدا می کنند و سعی دارند آن را از طریق خشونت تغییر دهند.

گروه محافظه کاران که از نظر کمی بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت جهان را شامل می شوند و خود را به عنوان گروه مذهبی معرفی کرده اند، جنبای ریشه‌های از جنبش روشنفکری یا همجوشی بنیادین فرهنگ و مذهب را نمی پذیرند.

برخی از رسانه‌ها بنابه دلایل سیاسی، چه موضوع اسلام در میان باشد چه موضوع اروپا، برجسب محافظه کار، بنیادگرا یا بنیادگرایی افراطی به خود می چسبانند در حالی که موقعیت آنها با چیزی که ادعا کرده اند کاملاً متفاوت است.

نخست وزیر ترکیه، "رجب طیب اردوغان"، در جهان اسلام یک محافظه کار به شمار می آید، شیخ "یوسف قرضاوی" یک بنیادگراست و "اسامه بن لادن" یک بنیادگرایی افراطی تلقی می شود. در قلمرو مسیحیت "بوش" محافظه کار محسوب می شود، اما مجادلات سیاسی موجود، وی را در زمره بنیادگراها قرار داده است.

بنیادگراها به چه چیزی اعتقاد دارند؟ اعتقاد به بازگشت به گذشته، اعتقاد به مردن یا تولد دوباره؟

در اینجا بار دیگر خاطر نشان می کنم که تفاوت بین محافظه کاران، بنیادگرایان و بنیادگرایان افراطی بسیار بنیادی و اساسی است. باید گفت که در هیچ یک از اینها تمایل به بازگشت به گذشته وجود ندارد.

بنیادگرایی به خصوص در اسلام شکل نوینی است که در آن سعی می شود تا تجربه‌های سیاسی قرن بیستم، جای قوانین اسلامی را بگیرد و از شکل های سنت گرایی که در آن از تجربه های سنتی استفاده می شود و کانون توجهات خود را به جای سیاست بر اخلاق متمرکز می کند متمایز است.

آیا بین اقتصاد و بنیادگرایی رابطه ای می توان متصور شد؟

برای پاسخ به این پرسش، مکتب جامعه‌شناختی را دستاویز قرار می دهیم، چراکه در این مکتب به "بازار مذهبی" یا "اقتصاد مذهبی" اشاره شده است و با توجه به آن، می توان از تجربه های اقتصادی و مدل های اقتصادی برای مطالعه مذهب استفاده کرد. اما این تنها یک نگرش متنولوژیک است و از این رو هرگز به این معنا نخواهد بود که ما منزلت مذهب یا بنیادگرایی را تا حد پدیدهای که تنها انگیزه های اقتصادی بر آن حاکم است تنزل دهیم.

آیا می توان غرب را در پیدایش بنیادگرایی اسلامی تا حدودی مقصر قلمداد کرد؟

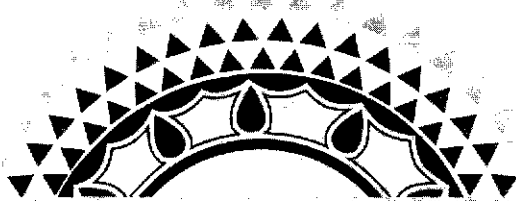
بله، زیرا غرب مدت های مدیدی است که از رژیم های ناسیونالیستی و سکولار حمایت می کند و از هیچ مساعدتی در مورد آنها فروگذار نکرده است. در اینجا برای روشن تر شدن موضوع اجازه دهید به دیکتاتوری نظامی در مغرب یا آنچه که صدام حسین شخصاً در عراق به آن مبادرت می کرد، بپردازیم. همانطور که خود شاهد بودید این دیکتاتوری های نظامی توسط محافظه کاران متعصب بنیادگراها و بنیادگرایان افراطی سرکوب شدند. اگر همه گروه های محافظه کار، بنیادگرا و بنیادگرایان افراطی سرکوب می شدند، باز گروهی که همچنان به عملیات مخفیانه و زیرزمینی خود ادامه می داد، گروه بنیادگرایان افراطی بود. به طور کلی، غرب دچار نوعی سندرم واتر از نوع شدید آن در فرانسه است و غرب را بر آن داشته تا به گروه های مسلمان اصلاح طلب و اصلاح طلب افراطی روی آورد که این گروه ها با وجود نداشتن یا در سطح امرای ارتش هستند - که حیطة قدرتشان از محدوده ارتش فراتر نمی رود - و یا روشنفکرهایی هستند که نقش شان به شرکت در کنگره هایی محدود می شود که در اروپا برگزار می شود و در کشور متبوعشان یا جوامع جدید نقش مهم و کلیدی ندارند.

از این رو بدیل دیگری که می توان برای بنیادگرایی متصور شد اسلام محافظه کار است و نه اسلام اصلاح طلب.

آیا برای بنیادگرایی اسلامی در آینده نزدیک، پیشرفتی را پیش بینی می کنید؟ خیر. اگر جوامع مذهبی آزادی بیان پیدا کنند و دموکراسی در آنها نقش طبیعی خود را ایفا کند آن گاه اسلام محافظه کار بر بنیادگرایی برتری می یابد. این مورد در کشورهایی چون ترکیه، مالزی و اندونزی مشاهده می شود.

نظر شما درباره بنیادگرایی سکولار چیست؟ آیا می توان از آن به عنوان یک پدیده مذهبی جدید نام برد؟

پدیده ضدروحانیت یک پدیده قدیمی قلمداد می شود. به هر روی، بنیادگرایی سکولاری که ما در فرانسه - در قالب قوانینی که علیه به اصطلاح فرقه ها یا نمادهای مذهبی تصویب می شود - یا در اتحادیه اروپا شاهد هستیم، واکنشی به این واقعیت است که مذهب - که به عقیده سکولارها باید از بین برود - به اشکال جدید و غیرمنتظره ای تبدیل می شود.



کتاب "تاریخ مختصر معنویان" منتشر می‌شود

انتشارات بلک ول، کتاب "تاریخ مختصر معنویان"، نوشته لارنس کانینگهام را منتشر می‌کند. این کتاب شرح حال و آرای برخی از معروف‌ترین معنویان مسیحی در طول تاریخ بشری است و به زندگی و آرای بزرگانی چون جان اهل آرک اشاره می‌کند. ریشه‌های فکری این نحله فربه در تاریخ معنویت جهان را تبارشناسی می‌کند و نقش و اثر آن را در جهان جدید به بررسی می‌نشیند. از جمله مباحث جالب توجه در کتاب کانینگهام، مقایسه تطبیقی معنویت و شریعت است. لارنس کانینگهام، استاد الهیات در دانشگاه نورث دام است و چند کتاب در زمینه نسبت دین و معنویت نگاشته است.

از سوی انتشارات والتگریتز سحر زرتشت منتشر شد

"سحر زرتشت"، نوشته پروفسور استاسورگه استاد علوم ادیان دانشگاه توینگن، در ۱۰۰۰ صفحه منتشر شد. نویسنده در این اثر سنت پژوهشی در مورد زرتشت را که بیشتر به علت پیدایش این دین، زندگینامه زرتشت و یا کتاب اوستا می‌پردازد، دنبال نکرده است، بلکه مباحث مورد بررسی او تأثیر افکار زرتشت بر محققان، فلاسفه و هنرمندان بیژانسی و اروپایی و همچنین درک این محققان از زرتشت بوده است. کتاب با فیلسوف بیژانسی معروف به "جورجیوس جمیستاس" (۱۳۵۵-۱۴۵۴) آغاز و با "آنکوئیل دوپ-رون" (۱۷۳۱-۱۸۰۵)، که اوستا را در اروپا به زبان فرانسوی ترجمه کرده، به پایان می‌رسد. نویسنده در کتاب این پرسش را مطرح می‌کند که چرا ولتر دین زرتشت را بر یهودیت ترجیح داده و از نام زرتشت برای تبلیغ ایده‌های خود استفاده کرده است، همچنین چرا مونتسارت در اپرای نی‌جادو از نام زرتشت بهره برده و نتیجه زرتشت را با ستاره طلایی مقایسه کرده است؟ نویسنده اضافه می‌کند که محققان دوره رنسانس در اروپا و بیژانس اطلاعات خود را در مورد زرتشت از اسناد و مدارکی که از دوران باستان به زبان یونانی و یا لاتینی به جا مانده بود، به دست می‌آوردند. در تمام دوره قرون وسطی اسناد و مدارک فرلوانی درباره زرتشت در بیژانس وجود داشت، ولی افزایش تحقیقات پیرامون زرتشت در اوایل قرن ۱۵ میلادی به دلیل رجوع محققان به این مدارک نبود، بلکه وجود یک سند تاریخی به نام "پیشگویی کلدانی" این پژوهش‌ها را منسجم کرد.

کتاب "متألهان کلیسای لوتری" منتشر شد

کتاب "متألهان کلیسای لوتری"، تدوین کارتر لیندبرگ از سوی انتشارات بلکول منتشر شد. این مجموعه، متألهان سده‌های هفدهم و هجدهم انگلستان، اروپا و آمریکا را مورد توجه قرار داده است. علاوه بر این به تأثیر کلیسای لوتری بر زندگی فرهنگی و اجتماعی تمدن جدید می‌پردازد. جاناتان آرنت، ویلیام پرکینز، لوئیس بایلی، پائول گرهارت، فیلیپ جاکوب اسپنو، هرمان فرانکی، کانون ماتر، جین وارد لیدی و جان وسلی، پاره‌ای از متألهان سده‌های هفدهم و هجدهم هستند که در این کتاب زندگی و مشی فکری-دینی‌شان مورد بررسی قرار گرفته است. کارتر لیندبرگ، تدوین کننده "متألهان کلیسای لوتری"، استاد تاریخ کلیسا در دانشگاه بوستون است و در حوزه تفکر مسیحیت چند کتاب تالیف کرده است.

فرهنگ ادیان و باورهای ملل جهان

انتشارات "دارالکلمه" در قاهره به‌عنوان اثر ارزشمند و سترگی با عنوان "قاموس ادیان و معتقدات شعوب العالم" را منتشر می‌کند که حاوی نزدیک به هشت هزار اصطلاح و ماده به ترتیب حروف ابجد است. در مقابل هر اصطلاح معادل انگلیسی آن نیز آمده است. این اصطلاحات و مداخل به ادیان سه‌گانه آسمانی اسلام، مسیحیت، یهود و آیین‌های زرتشت، بودا و هندوئیسم اختصاص دارد، همچنین جنبش‌های اسلامی را تا عصر حاضر دربرمی‌گیرد. افزون بر آن آداب، مناسک اعمال دینی خاص هر دین و مذهب و نمادها و شخصیت‌های برجسته هر یک معرفی می‌شوند. شورای تحریریه این اثر که از متخصصان در حوزه عقاید تاریخ ادیان و فلسفه تشکیل شده، برای هر دین یا باور، متخصص و پژوهشگر همان عرصه را برگزیده است.

اقدام جدید مسلمانان آمریکا برای از بین بردن باورهای نادرست

مسلمانان ایالات متحده در راستای اقداماتی که برای از بین بردن باورهای نادرست درباره اسلام انجام داده‌اند، یک نمایش کم‌دی اجرا کردند. در نمایش "الله مرا پامزه آفرید"، تلاش شده تا از رهگذر توجه به نکات گوناگون دینی و اجتماعی، تصور غلطی که درباره دین اسلام و جامعه مسلمان وجود دارد، از میان برداشته شود. اجرای این نمایش کم‌دی توسط سه هنرپیشه مسلمان صورت می‌گیرد. "ماس"، مدیر اجرایی این نمایش گفت: سه هنرپیشه‌ای که در این نمایش ایفای نقش می‌کنند از متفکران انتقادی هستند و اجرای آنها مینکرانه و هوشمندانه است و با اینکه مخاطبان این نمایش افراد خاصی هستند، همگان از محتوا و موضوعات به تصویر کشیده شده در آن لذت می‌برند.

"ماس" افزود: در این نمایش کم‌دی با استفاده از طنز، مسائل مهمی همچون برقراری عدالت و تساوی بین جوامع مسلمان و غیرمسلمان مطرح و به تصویر کشیده شده است، زیرا تنها گلایه از تنگنایی که مسلمانان آمریکایی در آن گرفتار شده‌اند، بی‌فایده است و چنین اقداماتی گامی موثر برای از بین بردن این وضع به شمار می‌رود. ماس گفت: از طریق طنز، مسائل بسیاری در این نمایش مطرح شده است. طنز زبانی است که به کسی آسیب نمی‌رساند. عصبانی شدن از کسی که شما را به خنده وامی‌دارد، دشوار است. "دیدرا عبود"، مدیر اجرایی شورای روابط اسلامی آمریکایی در آریزونا، گفت که این شورا حمایت مالی این نمایش را برعهده دارد. وی افزود: ما اعتقاد داریم یک نمایش کم‌دی در از بین بردن باورها و تصورات نادرستی که درباره اسلام وجود دارد، بسیار موثر است و به برقراری گفت‌وگو میان جوامع مسلمان و غیرمسلمان کمک می‌کند.